

خیانت‌های آمریکا به ایران؛ قبل و بعد از انقلاب اسلامی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی اصغر نصرتی*

فاطمه ترابی**

اشاره

نخستین رابطه آمریکایی‌ها با ایران در سال ۱۲۰۹ شمسی با ورود گروهی از مبلغان مذهبی آمریکا برای تبلیغ آیین مسیحیت در مناطق شمال غربی ایران برقرار شد و در سال ۱۲۳۵ شمسی در دوره ناصرالدین شاه قاجار قرارداد تاریخی دوستی و تجاری بین ایران و آمریکا و اعطای کاپیتولاسیون به اتباع آمریکا در ایران منعقد گردید. روابط رسمی دیپلماتیک در سال ۱۲۶۲ به تبادل سفیر انجامید.^۱ از اولین ارتباط رسمی تا ۱۳۳۲، عملکرد آمریکا در ایران نمود چندانی ندارد و سطح مداخلات آنها در امور ایران نیز خصمانه به نظر نمی‌آید و با توجه به سلطه عمیق روس و انگلیس در ایران، سیاست آمریکا بر تقبیح دخالت‌های روس و انگلیس متمرکز بود. آمریکا پس از جنگ جهانی دوم به اهمیت سوق الجیشی و منابع ایران پی برده بود و به نوعی در رقابت با انگلیس و روسیه سودای حضور و نقش‌آفرینی در حکومت و دسترسی به منابع وسیع ایران را در سر می‌پروراند؛ تا آنکه بحث ملی‌شدن نفت و فرار شاه و حاکمیت دولت ملی در ایران در سال ۱۳۳۲ پیش آمد. در این نقطه عطف، فرصت تاریخی برای آمریکا ایجاد شد تا سلطه مطلق خودش را بر ایران برقرار کند. در این مقاله به بررسی اجمالی خیانت‌ها، دخالت‌ها، بدعهدی‌ها و تجاوزهای آمریکا به ابعاد مختلف حاکمیت و منافع فرهنگی سیاسی و اقتصادی ایران در دو بازه قبل و پس از انقلاب اسلامی پرداخته شده است. با توجه به اینکه اقدامات

* دانش آموخته حوزه و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی aanosrati2211@gmail.com

** دانش آموخته سطح ۳ حوزه و دانشیار معلم آموزش و پرورش ftorabi211@gmail.com

۱. حسن واعظی، ایران و آمریکا، ص ۵۳ - ۵۴.

خصمانه آمریکا علیه ایران شمارش‌ناپذیر است، در این نوشتار به تنها چند مورد از مهم‌ترین این اقدامات در بازه‌های قبل و بعد از انقلاب اشاره می‌شود. برای اطلاع، لیستی از برخی از اقدامات خصمانه آمریکا در پی‌نوشت ارائه شده است.^۱

۱. خیانت‌های آمریکا به ایران قبل از انقلاب

● **کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛ در تبیین کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، باید توجه داشت که این رخداد صرفاً یک مداخله سیاسی نبود، بلکه نقطه آغاز «دکترین بی‌اعتمادی» در روابط دوجانبه است. تا پیش از این تاریخ، بخش‌های وسیعی از نخبگان سیاسی ایران، آمریکا را به مثابه نیرویی «ثالث» و موازنه‌گر در برابر استعمار سنتی (بریتانیا) می‌نگریستند؛ با این حال، عملیات مشترک سیا و MI6 (عملیات آژاکس) که با هدف سرنگونی دولت ملی دکتر مصدق و ابطال قانون ملی‌شدن صنعت نفت طراحی شد، پرده از اتحاد استراتژیک غرب برای حفظ هژمونی منابع انرژی برداشت.^۲ این واقعه، الگوی عملیاتی آمریکا را برای دهه‌های متمادی تثبیت کرد: «مذاکره برای مدیریت بحران و کودتا برای تثبیت منافع». از دیدگاه ناظران سیاسی ایران، این کودتا نه تنها نقض فاحش اصول حقوق بین‌الملل و حق تعیین سرنوشت بود، بلکه ثابت کرد که مداخلات دیپلماتیک و «میانجی‌گری» ایالات متحده در پرونده‌های حساس ایران، غالباً پوششی برای بازگرداندن کشور به مدار وابستگی و تضمین منافع راهبردی واشینگتن است.^۳**

● **قرارداد کنسرسیوم نفت ۱۳۳۳ (۱۹۵۴)؛ این قرارداد در واقع «مکمل عملیاتی کودتای ۲۸ مرداد» و ابزاری برای نهادینه‌سازی غارت منابع تحت پوشش «مذاکره» بود. پس از سرنگونی دولت مصدق، ائتلاف غربی با تحمیل این قرارداد، در عمل نیز پیروزی کودتا را در عرصه انرژی تثبیت کرد. برخلاف شعار «ملی‌شدن صنعت نفت»، این قرارداد با ایجاد یک کارتل بین‌المللی، کنترل استخراج و فروش را به شرکت‌های چندملیتی بازگرداند و سهم^۴ ایران را به حقوقی ناچیز تقلیل داد.^۵**

۱. ر.ک به: پی‌نوشت «فهرست خیانت‌های مهم آمریکا به ایران قبل و بعد از انقلاب».

۲. غلامرضا نجاتی، تاریخ بیست‌وپنج ساله ایران، ص ۳۵۴.

۳. پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۱۶۲.

۴. سهام شرکت نفت ایران و انگلیس (بریتیش پترولیوم) ۴۰٪، رویال داچ شل هلند ۱۴٪، شرکت نفت فرانسه ۴٪ پنج شرکت بزرگ نفتی آمریکا ۴۰٪.

۵. پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۱۸۴.

این قرارداد مصداق بارز «سلطه‌ی اقتصادی» و نقض حق حاکمیت ملی است که در آن طرف مقابل با استفاده از اهرم فشار نظامی - امنیتی، ایران را به وضعی استضعاف حقوقی کشانده بود. در تحلیل تاریخی، این کنسرسیوم ثابت کرد که «میانجی‌گری» و «مذاکرات نفتی» در منطق قدرت غرب، صرفاً ابزاری برای «بازگشت به وضع سابق» و تثبیت منافع هژمونیک است.^۱ بنابراین قرارداد ۱۳۳۳ در سلسله خیانت‌های آمریکا، نماد عبور از «استعمار مستقیم» به «استعمار قراردادی» است؛ فرایندی که در آن اراده سیاسی ملت برای استقلال در پشت میزهای مذاکره با «پیمان‌نامه‌های استعماری» مخدوش شد.^۲

● **ایجاد و توسعه ساختارهای امنیتی حکومت شاه (ساواک)؛ ایجاد و توسعه ساختارهای امنیتی در دوره پهلوی دوم به‌ویژه پس از کودتای ۱۳۳۲، از منطق «وابستگی ساختاری» به غرب پیروی می‌کرد.** تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) در سال ۱۳۳۵، با همکاری و نظارت مستقیم نهادهای اطلاعاتی ایالات متحده، نقطه عطفی در تبدیل ایران به «دژ منطقه‌ای» منافع واشینگتن بود. این ساختار نه برای تأمین امنیت ملی، بلکه چونان ابزاری برای سرکوب جنبش‌های استقلال‌طلب و تثبیت رژیم وابسته طراحی شده بود.^۳

این همکاری‌های امنیتی، مصداق بارز «تولّی» به مستکبران و ایجاد دستگاهی است که در راستای منافع بیگانه علیه اراده ملی عمل می‌کرد. اسناد تاریخی نشان می‌دهند که با حضور مستشاران آمریکایی در بدنه اطلاعاتی، ایران به یک «ایستگاه اطلاعاتی پیشرفته» برای مدیریت نفوذ در منطقه بدل شد که بهای آن، نقض گسترده حقوق بنیادین مردم و استحاله استقلال ملی بود.^۴ این مدل از امنیت، نسخه‌ای «وارداتی» و «تثبیت‌کننده» برای حفظ سلطه استراتژیک آمریکا در منطقه بود؛ به گونه‌ای که بقای رژیم با حفظ پایگاه‌های اطلاعاتی ایالات متحده گره خورده بود.^۵ این فرایند، نوعی «تأمین امنیت هژمونیک» آمریکا را در منطقه برقرار کرد که تا لحظه سقوط رژیم، به مثابه نماد مداخله مخفیانه در حاکمیت ایران باقی ماند.

● **کاپیتولاسیون (Capitulation)؛ یا امتیازات قضایی و استثنائی، از بنیادین‌ترین ابزارهای**

۱. هوشنگ سپهریانی، تاریخ سیاسی ایران در دوران پهلوی، ص ۹۲.

۲. پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۱۸۷.

۳. همان، ص ۲۴۸.

۴. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ص ۴۰۵.

۵. پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۲۵۲.

«استعمارِ حقوقی» بود که حاکمیت ملی ایران را به چالش کشید. این امتیازات که به موجب آنها، اتباع خارجی در برابر قوانین داخلی ایران مصونیت داشتند، در عمل منجر به ایجاد نوعی «دولت در دولت» و نقض اصل تساوی همه در برابر قانون شد. از منظر مطالعات استراتژیک، کاپیتولاسیون نه تنها ابزاری برای تسهیل فعالیت‌های اقتصادی اتباع خارجی بود، بلکه به مثابه «سلاحی سیاسی» برای تضعیف اقتدار دولت مرکزی و بی اعتبار کردن دستگاه قضایی ایران به کار می‌رفت.^۱

کاپیتولاسیون در حقیقت مصداق بارز «از بین رفتن استقلال حاکمیتی» و پذیرش وضعیتی مخدوش از «تبعیه» است؛ چراکه با پذیرش این امتیازات، دولت ملی بخشی از حق حاکمیت خود را به بیگانگان واگذار کرده بود که این امر با اصول «نفی سبیل» در تضاد است. به فرموده امام خمینی: «... آنکه در مجلس تصویب شد که مستشاران نظامی آمریکا در ایران مصونیت داشته باشند... این یعنی چه؟ یعنی اگر یک آشپز آمریکایی، اگر یک سرباز آمریکایی، به شاه ایران، به مرجع تقلید، به هر کسی تجاوز کند، کسی حق ندارد جلوی او را بگیرد».^۲

• **طرح و اجرای انقلاب سفید؛ طرح و اجرای «انقلاب سفید»** فزاینده از یک اصلاحات ساختاری، در واقع «تغییر استراتژیک جهت‌گیری» برای بازآرایی نظم سیاسی و اجتماعی ایران بود. این طرح که در سال ۱۳۴۱ تحت نظارت و با برنامه‌ریزی دقیق ایالات متحده تدوین شد، با هدف گذار از ساختارهای سنتی به سمت یک جامعه مدرن وابسته طراحی شده بود.^۳ اصول شش‌گانه این طرح (از جمله اصلاحات ارضی و سهیم کردن کارگران)، اگرچه با شعارهای عدالت‌خواهانه ارائه شد، در عمل پروژه‌ای مهندسی شده برای تثبیت حاکمیت نظام پهلوی و حفظ نفوذ استراتژیک ایالات متحده در قلب خاورمیانه بود.^۴

انقلاب سفید با هدف ایجاد یک طبقه متوسط جدید و وابسته به ساختار قدرت، می‌کوشید از طریق بازآرایی طبقاتی، بلوک اجتماعی وفادار به سیاست‌های واشینگتن ایجاد کند.^۵ این مداخلات با وجود ظاهر اصلاح طلبانه، ابزاری برای تضعیف نهادهای سنتی و مذهبی و

۱. سیدحسن موسوی، سیر تحول امتیازات خارجی در ایران، ص ۱۵۸.

۲. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۱۵.

۳. پروانه آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۴۸۲.

۴. دانشنامه امام خمینی، بخش «انقلاب سفید».

۵. پروانه آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۴۸۵.

جایگزینی آنها با ساختارهای غربی بود که منجر به از بین رفتن توازن قدرت در جامعه و ایجاد شکاف‌های عمیق هویتی گردید.^۱

این نوع مداخلات ساختاری، مصداق بارز «تغییر هویت بنیادین» و تلاش برای گذار از مرجعیت اسلامی به سوی الگوی سکولاریسم غربی بود؛ امری که در تضاد با اصل «استقلال حاکمیتی» و منجر به نوعی «وابستگی ساختاری» می‌گشت.

● **حمایت از رژیم پهلوی در کشتار مردم ایران در انقلاب ۵۷؛** حمایت ایالات متحده از رژیم پهلوی در جریان سرکوب گسترده مردم در سال ۱۳۵۷، به مثابه تأیید استفاده از «خشونت ساختاری» برای حفظ منافع واشینگتن در منطقه بود. از منظر مطالعات استراتژیک، ارائه پوشش‌های سیاسی و استمرار همکاری‌های امنیتی، به رژیم اجازه داد تا در مواجهه با موج انقلاب، به جای گذار سیاسی از ابزار سرکوب نظامی استفاده کند.^۲ این رویکرد نشان داد که اولویت قدرت‌های غربی، حفظ «ثبات وابسته» بر «حقوق حاکمیت ملی» بود.^۳

این حمایت‌های مستمر، مصداق همکاری قدرت‌های بیگانه با ظالم برای تداوم ساختارهای غیرمشروع است؛ چراکه در این رویکرد، امنیت رژیم بر امنیت ملت مقدم شمرده شد. از نظر تحلیلگران تاریخی، این حمایت‌ها منجر به تبدیل شدن رژیم به یک «ساختار منفک از ملت» گردید که تنها از طریق قدرت نظامی و حمایت خارجی قادر به بقا بود.^۴ در نهایت این سطح از مداخله و حمایت، شکاف میان ملت و حاکمیت را به شکلی اصلاح‌ناپذیر افزایش داد و مشروعیت سیاسی نظام پهلوی را در برابر خواسته‌های انقلابی مردم از بین برد.

۲. خیانت‌های آمریکا به ایران پس از انقلاب اسلامی

● **بلوکه کردن دارایی‌های ملی ایران در ایالات متحده؛** این مسئله از خشن‌ترین ابزارهای «استعمار حقوقی» و به کارگیری «سلاح اقتصادی» در تقابل با حاکمیت ایران بود. این اقدامات که پس از تحولات سیاسی سال ۱۳۵۷ شدت یافت، اقدامی تلافی‌جویانه برای فلج کردن توان اقتصادی دولت جدید و بازگرداندن ایران به مدار وابستگی بود.^۵

۱. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ص ۴۱۲.

۲. پروانه آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۲۴۲.

۳. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ص ۳۸۵.

۴. غلامرضا نجاتی، تاریخ بیست و پنج ساله ایران، ص ۴۱۲.

۵. سیدحسن موسوی، سیر تحول امتیازات خارجی در ایران، ص ۲۱۵.

بر اساس گزارش‌های مستند تاریخی و اسناد مربوط به دعاوی حقوقی بین‌المللی، میزان دارایی‌های بلوکه‌شده در سال‌های پس از انقلاب، از چندین میلیارد دلار فراتر می‌رفت.^۱ این دارایی‌ها شامل ذخایر ارزی در بانک‌های تجاری، سهام شرکت‌های بزرگ زیرمجموعه دولت و دارایی‌های مربوط به زیرساخت‌های انرژی بود.

اگرچه تخمین دقیق این مبالغ به دلیل پیچیدگی‌های حقوقی و تغییر ماهیت از «بلوکه مستقیم» به «تحریم‌های گسترده» دشوار است، تحلیل‌گران بر این باورند که ارزش کل دارایی‌های تحت کنترل یا محدودشده ایران در ایالات متحده، در طول دهه‌های اخیر با توجه به تورم و ارزش بازارهای مالی، به صدها میلیارد دلار رسیده است. این حجم از دارایی‌ها، نه تنها یک خسارت مالی، بلکه ابزاری استراتژیک برای اعمال فشار بر حاکمیت ملی ایران بوده است.^۲ از منظر حقوقی، بلوکه کردن دارایی‌ها و تلاش برای مصادره آنها، نقض آشکار اصول «حرمت اموال» و «استقلال حاکمیتی» است که در اسناد بین‌المللی نیز بر آن تأکید شده است.^۳

● **تجاوز و خیانت آمریکا به ایران در عملیات طبس؛ «عملیات طبس» (۱۹۷۹)، مصداق بارز «تجاوز نظامی به حاکمیت ملی» و نقض صریح منشور سازمان ملل متحد است.** این عملیات که با هدف بازپس‌گیری گروگان‌های آمریکایی در سفارت ایران طراحی شده بود، نشان‌دهنده تغییر استراتژی ایالات متحده از «حمایت از نظام پیشین» به «مداخله مستقیم نظامی» در خاک ایران بود.^۴

این اقدام نشان داد که ایالات متحده برای حفظ منافع ژئوپلیتیک خود، آمادگی دارد تا مرزهای حاکمیت ایران را نادیده بگیرد و با استفاده از توان نظامی، نظم سیاسی جدید را به چالش بکشد.^۵ این اقدام درواقع تلاشی برای نمایش قدرت و بازگرداندن هژمونی آمریکا در منطقه از طریق اعمال زور بود. این عملیات مصداق «اعمال زور توسط بیگانه برای تضعیف حاکمیت اسلامی» است که مقابله با آن از باب دفاع از حریم مقدسات و حفظ استقلال نظام، یک تکلیف شرعی و ملی محسوب می‌شود. این تجاوز، نقطه عطفی در تبدیل شدن روابط دو

۱. پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۵۱۲-۵۱۵.

۲. سیدحسن موسوی، سیر تحول امتیازات خارجی در ایران، ص ۲۳۰.

۳. محمدعلی دژپور، حقوق بین‌الملل عمومی، ص ۴۴۰.

۴. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ص ۴۱۵.

۵. پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۵۱۲.

کشور از «تنش سیاسی» به «تقابل نظامی - امنیتی» بود.

در تحلیل حقوقی این اقدام، باید میان «حق نجات گروگان‌ها» و «اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها» تمایز قائل شد. طبق منشور سازمان ملل متحد و قواعد آمره حقوق بین‌الملل، هیچ دولتی حق ندارد با توسل به زور، به قلمرو حاکمیت دولت دیگری وارد شود، حتی اگر هدف آن نجات شهروندان خود باشد؛ مگر اینکه موافقت دولت میزبان یا دستور شورای امنیت وجود داشته باشد.^۱

عملیات طبس با نادیده گرفتن کامل حاکمیت قلمرویی ایران، از این قواعد بنیادین تخطی کرد. از منظر حقوقی، این اقدام نه یک «عملیات نجات»، بلکه «تجاوز مسلحانه» محسوب می‌شود؛ زیرا هدف نهایی فراتر از نجات افراد، تلاش برای تحمیل اراده سیاسی ایالات متحده و تضعیف اقتدار دولت جدید ایران بود.

● **کودتای نوژه (۱۳۵۹):** «در سال ۱۳۵۹، یکی از خطرناک‌ترین تلاش‌های طراحی شده برای براندازی نظام جدید، تحت عنوان «طرح کودتای نوژه» (همدان)، توسط گروهی از عناصر باسابقه نظامی و سیاسی وابسته به نظام سابق طراحی شد. این طرح که با هدف استفاده از توان تجهیزات نظامی مستقر در پادگان نوژه برای انجام یک کودتای نظامی علیه حاکمیت جمهوری اسلامی تدوین شده بود، با کشف و لورفتن پیش از اجرا ناکام ماند».^۲

● **سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران:** نقض آشکار حریم حاکمیت هوایی و حقوق بشری؛ یک فروند هواپیمای مسافربری ایران‌ایر به شماره ۶۵۵ صبح روز ۱۲ تیرماه ۱۳۶۷ هدف حمله ناوگان نیروی دریایی آمریکا از طریق ناو «یواس اس وینسنس» قرار گرفت و با تمام مسافران در آب‌های خلیج فارس سقوط کرد. این هواپیما ۲۹۰ مسافر و خدمه داشت و از بندرعباس عازم دبی در امارات متحده عربی بود. هواپیما از نوع ایرباس ۳۰۰ بود و در ارتفاع ۷۵۰۰ پایی پرواز می‌کرد که در فضایی بین شارجه و بندرعباس در نزدیکی جزایر ایرانی هدف قرار گرفت.^۳ این اقدام جنایتکارانه و تروریستی، نمونه‌ای بارز از نقض آشکار حاکمیت ملی و قوانین بین‌المللی در حوزه پروازهای غیرنظامی است. این اقدام که با هدف ایجاد ارباب و وحشت سیاسی و

۱. سیدحسن موسوی، سیر تحول امتیازات خارجی در ایران، ص ۲۲۵.

۲. با پشیمانی یکی از خلبانان این کودتا و با اصرار مادرش، شبانه خود را به منزل آیت‌الله خامنه‌ای می‌رساند و خبر کودتا را افشا می‌کند.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

تخریب امنیت ملی انجام شد، فراتر از یک خطای نظامی، مصداق دقیق «ترور سازمان‌یافته» و نقض پروتکل‌های سازمان ملل متحد در مورد حفاظت از پروازهای غیرنظامی است.^۱ امام خامنه‌ای فرموده است: «هواپیمای مسافربری را که محترم است و کسی اجازه ندارد به هواپیمای مسافربری تعرضی بکند، با قریب سیصد مسافر ساقط می‌کنید و بعد می‌گویید که اشتباه کردیم؛ غلط کردید اشتباه کردید! اشتباه کردیم یعنی چه؟! اگر فرمانده آن ناو اشتباه کرده بود، پس چرا او را به محاکمه نکشیدید؟! چرا به او مدال دادید؟! چرا با انواع و اقسام گفته‌ها، به دشمنی‌های خودتان با ملت ایران ادامه دادید؟!...»^۲

• **توافق برجام و خروج یک‌جانبه آمریکا از آن؛** برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) که به انگلیسی JCPOA هم گفته می‌شود، توافق بین‌المللی بین ایران و گروه ۵+۱ (آمریکا، انگلیس، فرانسه، روسیه، چین و آلمان) به همراه اتحادیه اروپاست که در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵) نهایی شد و شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ آن را تأیید و آن را لازم‌الاجرا دانست. مفاد اصلی برجام عبارت است از؛

- ایران پذیرفت برنامه هسته‌ای خودش را محدود کند: سطح غنی‌سازی را تا ۳.۶۷٪ نگه دارد، ذخایر اورانیوم غنی شده را به ۳۰۰ کیلوگرم برساند و تأسیسات فردو و اراک را تغییر کاربری بدهد.

- در مقابل، تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران برداشته شود و دسترسی ایران به بازارهای مالی و نفتی بین‌المللی باز باشد.

نتیجه: برجام تا سال ۲۰۱۸ اجرا می‌شد تا اینکه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷، دونالد ترامپ تصمیم گرفت تا یک‌جانبه از توافق هسته‌ای خارج شود. رئیس‌جمهور آمریکا در جریان سخنرانی یازده‌دقیقه‌ای خود اعلام کرد که کشورش از برجام خارج شده است و تحریم‌هایی که در چارچوب این توافق لغو شده بودند را بار دیگر علیه تهران به اجرا می‌گذارد و تحریم‌های جدیدی نیز اعمال کرد. ایران هم بعد از مدتی صبر، تعهداتش را کاهش داد و سطح غنی‌سازی را افزایش داد.

• **ترور سردار شهید قاسم سلیمانی؛** ۱۳ دی ۱۳۹۸ش در حمله تروریستی پهپاد آمریکایی به خودروی حامل سردار قاسم سلیمانی در نزدیکی فرودگاه بغداد، او به همراه چند تن دیگر از

۱. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ص ۴۴۵.

۲. سیدعلی خامنه‌ای، بیانات در دیدار جامعه انجمن‌های اسلامی اصناف، ۱۳/۰۴/۱۳۷۰.

جمله ابومهدی المهندس معاون حشد الشعبی (بسیج مردمی عراق) به شهادت رسید. وزارت دفاع آمریکا با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که این حمله به دستور دونالد ترامپ رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده انجام شده است. این اقدام، نقض آشکار اصل حاکمیت ملی و ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد (حق دفاع مشروع) تلقی می‌شود. این واقعه، واکنش‌ها و پیامدهای مختلفی را در پی داشت؛ از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پایگاه عین‌الاسد مقرر نظامیان آمریکایی در عراق را هدف حمله موشکی قرار داد. همچنین مجلس عراق، طرح اخراج آمریکایی‌ها از عراق را تصویب کرد.

● **حمایت آمریکا از اغتشاشات ۱۴۰۱ ایران؛** «تحلیل‌های حوزه امنیت بین‌الملل نشان می‌دهد که ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ در ایران، فراتر از یک اعتراض اجتماعی ساده، تحت تأثیر استراتژی‌های «فشار ترکیبی» و «جنگ‌های نسل چهارم»^۱ قرار داشت. این اقدامات با هدف استفاده از شکاف‌های اجتماعی و سیاسی موجود، برای ایجاد یک «فروپاشی ساختاری از درون» طراحی شده بود. از منظر کارشناسان حوزه سیاست خارجی، حمایت‌های همه‌جانبه ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای از جریان‌های ناآرامی، بخشی از دکترین «تغییر رژیم» از طریق تحریک توده‌ها و استفاده از ابزارهای جنگ شناختی برای تضعیف انسجام ملی بود. این مداخلات با هدف قراردادن «استقلال تصمیم‌گیری» و «ثبات حاکمیت»، دقیقاً با الگوهای بی‌ثبات‌سازی مربوط به فروپاشی بلوک شرق همخوانی دارد.^۲

● **حمله نظامی آمریکا به ایران در خرداد و اسفند ۱۴۰۴، در میانه مذاکرات؛** جنگ دوازده‌روزه اسرائیل با ایران یا جنگ تحمیلی دوم، نبردی دوازده‌روزه میان اسرائیل و ایران بود که

۱. جوزف نای، نظریه‌پرداز ارشد روابط بین‌الملل و تحلیلگر ارشد دانشگاه هاروارد، با برشمردن نسل‌های جنگ مدرن می‌نویسد: «نسل اول جنگ مدرن شامل پیکارهایی با استفاده از قدرت نیروی انسانی توده‌ای و گسترده، خط و سازمان ناپلئونی (ناپلئون بناپارت) است. نسل دوم که در جنگ جهانی اول به اوج رسید، شامل قدرت آتش گسترده بود. نسل سوم (آلمان در جنگ جهانی دوم) بر مانور دادن بر سر قدرت با استفاده از ارتش‌هایی که برای دور زدن دشمن از رسوخ و نفوذ به داخل سرزمین دشمن تأکید دارد. نسل چهارم جنگ یک مرحله دیگر رویکرد غیرمتمرکز و گریز از مرکز را توسعه می‌دهد که بر اساس آن دیگر هیچ جبهه قابل تعریفی وجود ندارد. به جای آن، این جنگ روی جامعه دشمن، زسیدن به عمق خاک آن برای نابودی اراده سیاسی تمرکز می‌کند». وی همچنین می‌نویسد: «ممکن است حتی برخی یک نسل پنجم هم اضافه کنند که در آن فناوری‌هایی چون پهپادها و تاکتیک‌های سایبری تهاجمی به سربازان اجازه باقی ماندن در یک قاره دورتر از اهداف غیرنظامی‌شان باشند.

۲. حسن واعظی، اصلاحات و فروپاشی، ص ۵۰ - ۱۰۰.

در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ شمسی با حمله هوایی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای، پایگاه‌های نظامی و مناطق مسکونی ایران آغاز شد. اسرائیل هدف خود از این جنگ را نابودی برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران، تغییر ساختار سیاسی این کشور و کاهش تهدیدات منطقه‌ای اعلام کرد. در دهمین روز جنگ، ارتش آمریکا با بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران، وارد درگیری مستقیم شد. در این حملات، بیش از هزار نفر از جمله شماری از فرماندهان ارشد نظامی و دانشمندان هسته‌ای و حدود ۱۵۰ زن و کودک به شهادت رسیدند.

● **جنگ رمضان یا جنگ تحمیلی سوم؛** این جنگ با حملات آمریکا و اسرائیل در ۹ اسفند ۱۴۰۴ ش/ ۱۰ رمضان ۱۴۴۷ ق به مناطقی از ایران از جمله بیت رهبری آغاز شد. در این جنگ، شماری از مسئولان ارشد سیاسی و نظامی ایران از جمله سیدعلی خامنه‌ای رهبر وقت ایران، سیدعبدالرحیم موسوی، محمد پاکپور، علی شمخانی، عزیز نصیرزاده، سیداسماعیل خطیب و علی لاریجانی به شهادت رسیدند.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی نهایی

این پژوهش با تحلیل ابعاد مختلف مداخلات ایالات متحده در قبل و بعد از انقلاب اسلامی نشان داد که اقدامات این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران، فراتر از تنش‌های سنتی، در قالب یک استراتژی منسجم از «جنگ‌های ترکیبی» و «فشار ساختاری» طراحی شده است. از نقض حاکمیت در ترور سردار سلیمانی و استفاده از جنگ شناختی در ناآرامی‌های ۱۴۰۱ تا حملات نظامی در میانه مذاکرات سال ۱۴۰۴، همگی نشان‌دهنده تلاشی نظام‌مند برای ایجاد «فروپاشی از درون» و تضعیف ارکان تصمیم‌گیری حاکمیت است. این مداخلات از طریق ابزارهای متنوعی نظیر بلوکه کردن دارایی‌ها، جنگ‌های اقتصادی و تهدیدات نظامی، همواره با هدف تغییر دکترین از بازدارندگی به تهاجم پیش‌دستانه انجام گرفته است.

از منظر نظری، این یافته‌ها مؤید آن است که مقابله با این تهدیدات، صرفاً یک ضرورت امنیتی نیست، بلکه بر اساس مبانی «فقه نظام مقاومت»، ضرورتی برای «صیانت از حاکمیت و حفظ استقلال ملی» در برابر تهاجمات چندبعدی است که هدف آنها از بین بردن نظام جمهوری اسلامی است. درنهایت، پویایی و تاب‌آوری نظام در برابر این فشارهای ترکیبی، مستلزم تقویت انسجام ملی و پیوند میان قدرت سخت (دفاع نظامی) و قدرت نرم (امنیت شناختی) در راستای حفظ استقلال ملی و صیانت از نظم عمومی است.

کتاب‌نامه

۱. آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه: احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۵ ش.
۲. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، ج ۱، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹ ش.
۳. دژپور، محمدعلی، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲ ش.
۴. سپریانی، هوشنگ، تاریخ سیاسی ایران در دوران پهلوی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ ش.
۵. فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷ ش.
۶. موسوی، سیدحسن، سیر تحول امتیازات خارجی در ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های تاریخی، ۱۳۹۴ ش.
۷. نجاتی، غلامرضا، تاریخ بیست‌وپنج ساله ایران، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱ ش.
۸. نجاتی، غلامرضا، جنبش ملی‌شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. تهران: شرکت انتشار، ۱۳۹۷ ش.
۹. واعظی، حسن، اصلاحات و فروپاشی، تهران: نشر سروش، ۱۳۹۴ ش.
۱۰. واعظی، حسن، ایران و آمریکا، تهران: نشر سروش، ۱۳۷۹ ش.
۱۱. پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۱۲. پایگاه ویکی‌شیعه
۱۳. دانشنامه امام خمینی

پی‌نوشت‌ها

فهرست گزیده خیانت‌ها، جنایت‌ها، بدعهدی‌ها و خصومت‌های آمریکا علیه ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی:

الف) خیانت‌های آمریکا به ایران قبل از انقلاب

۱. برگزاری کنفرانس سران متفقین در تهران و بی‌توجهی به حاکمیت ایران؛
۲. کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛
۳. قرارداد کنسرسیوم نفت ۱۳۳۳؛
۴. حمایت گسترده از حکومت پهلوی ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷؛

۵. کاپیتولاسیون؛

۶. توسعه و حمایت از ساختارهای امنیتی حکومت شاه؛

۷. استعمار نو از طریق استحاله فرهنگی و وابستگی فکری در محیط‌های فرهنگی و آموزشی؛

۸. فروش گسترده سلاح به شاه به‌ویژه اوایل دهه ۵۰؛

۹. طرح و اجرای انقلاب سفید برای جلوگیری از وقوع انقلاب؛

۱۰. حمایت از رژیم پهلوی در کشتار مردم ایران در انقلاب ۵۷.

ب) خیانت‌های آمریکا به ایران بعد از انقلاب

۱. حمایت از تحرکات تجزیه‌طلبان در کردستان، ترکمن‌صحرا، آذربایجان، خوزستان و سیستان و بلوچستان؛

۲. پذیرش شاه در آمریکا ۱۳۵۸؛

۳. بلوکه کردن تمامی اموال و دارایی‌های ایران در آمریکا؛

۴. قطع روابط سیاسی با ایران در فروردین ۱۳۵۹ پس از اشغال لانه جاسوسی؛

۵. تشدید خصومت در گروگانگیری ۱۳۵۸؛

۶. عملیات طبس ۱۳۵۹؛

۷. طراحی کودتای تسلیحاتی و نظامی نوژه علیه ایران ۱۳۵۹؛

۸. حمایت از عراق در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران ۱۳۵۹؛

۹. حمله به سکوها‌های نفتی ایران ۱۳۶۷؛

۱۰. سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران، تشدید تحریم‌های یک‌جانبه و فرامرزی ۱۹۹۰؛

۱۱. قراردادن ناسیونالیسم و لیبرالیسم در مقابل اسلام و انقلاب و حمایت از لیبرال‌ها و ملی‌گراها بلافاصله پس از

پیروزی انقلاب؛

۱۲. حمایت سیاسی حقوقی و تبلیغاتی از بنی‌صدر در خرداد ۱۳۶۰؛

۱۳. به‌کارگیری خط‌مشی مهار علیه ایران؛

۱۴. سکوت در برابر موج عظیم اعمال تروریستی منافقین و گروه‌های مارکسیستی علیه جمهوری اسلامی ایران از

۳۰ خرداد ۱۳۶۰ به بعد؛

۱۵. حمایت مستقیم از نفتکش‌های عراق و سایر کشورهای عرب منطقه از طریق ایجاد اسکورت نظامی برای

آنها از سال ۱۳۶۴ الی ۱۳۶۷؛

۱۶. ورود به جنگ با ایران به نفع عراق با حمله به سکوها‌های نفتی ایران در سال ۱۳۶۶؛

۱۷. حمله به چند فروند از ناوگان دریایی ایران در خلیج فارس در سال ۱۳۶۶ و منهدم کردن نیمی از توان دریایی

ایران در اوج جنگ در سال ۱۳۶۶؛

۱۸. دخالت مستقیم در جنگ و حمایت از عراق برای بازپس‌گیری جزیره فاو در فروردین ۱۳۶۷؛

۱۹. سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران بر فراز خلیج فارس توسط ناو وینسن در تیرماه ۱۳۶۷؛
۲۰. گنجاندن موضوع ایران در اجلاس سران هفت کشور صنعتی موسوم به G7؛
۲۱. اعمال فشار همه‌جانبه بر ایران برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸؛
۲۲. تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در دوره زمامداری جورج بوش؛
۲۳. ممانعت از اجرای قرارداد احداث نیروگاه اتمی بوشهر میان ایران و آلمان؛
۲۴. ممانعت از دستیابی ایران به غرامت‌های ناشی از جنگ تحمیلی؛
۲۵. اعمال سیاست مهار دوگانه علیه ایران در سال ۱۳۷۲؛
۲۶. تحریک امارات متحده عربی برای مطرح کردن ادعاهای ارضی علیه جزایر سه‌گانه ایرانی در خلیج فارس در سال ۱۳۷۲؛
۲۷. طراحی «قانون داماتو» علیه ایران در مجلسین نمایندگان و سنا (کنگره) در سال ۱۳۷۲؛
۲۸. مخالفت شدید با قرارداد تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر توسط روسیه در سال ۱۳۷۳؛
۲۹. تصویب طرح بنجامین گیلمن و لغو قرارداد کونکو با ایران در اسفند سال ۱۳۷۳؛
۳۰. مخالفت با عبور خطوط لوله نفت و گاز و راه‌های ترانزیت آسیای میانه از ایران و حمایت از خط باکو-جیحان و فشار بر ترکیه برای لغو قرارداد ۲۰ میلیارد دلاری خرید گاز از ایران؛
۳۱. صدور فرمان‌های اجرایی به وسیله کلینتون علیه ایران با هدف افزایش دامنه تحریم‌ها در اردیبهشت ۱۳۷۴؛
۳۲. جنجال آفرینی‌های وسیع برای معرفی ایران به عنوان طراح و سازنده انفجار ظهران در عربستان در آبان ۱۳۷۴؛
۳۳. تهدید ایران به حمله نظامی با مستمسک قراردادن دخالت ایران در انفجار ظهران در سال ۱۳۷۶؛
۳۴. اعمال تحریم شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذاری در منابع انرژی در تیر ۱۳۷۵؛
۳۵. فشار مستمر بر اتحادیه اروپا و ژاپن برای قطع روابط اقتصادی با ایران از سال ۱۳۷۵؛
۳۶. معرفی ایران به عنوان بزرگ‌ترین مانع روند صلح خاورمیانه پس از کنفرانس‌های مادرید تا اسلو به‌ویژه در سال ۱۳۷۵؛
۳۷. بهره‌برداری گسترده از رأی دادگاه میکونوس برای تخریب روابط اتحادیه اروپا با ایران در فروردین ۱۳۷۶؛
۳۸. معرفی ایران به عنوان مجری انفجار بوئنوس آیرس در آرژانتین؛
۳۹. معرفی ایران به عنوان طراح انفجار مرکز تجارت جهانی در نیویورک و انفجار هواپیما بر فراز لاکربی؛
۴۰. قطع نفوذ ایران در افغانستان با حمایت از "طالبان" و حاکم کردن آنها بر مقدرات مردم افغانستان و ایجاد قانونی مهم برای تولید و صدور مواد مخدر؛
۴۱. ایجاد تحرکات وسیع برای تخریب روابط پاکستان با ایران؛
۴۲. تصویب بودجه در کنگره آمریکا برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران در اردیبهشت ۱۳۷۷؛

۴۳. تصویب تأسیس یک رادیو به زبان فارسی علیه ایران به نام «رادیو آزادی» در کنگره آمریکا در اردیبهشت ۱۳۷۷؛
۴۴. قرارداد نام ایران در فهرست کشورهای یاغی و حامی تروریسم؛
۴۵. گنجاندن وضعیت نقض حقوق بشر در ایران در دستور کار مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۳۶۸؛
۴۶. اعمال تحریم ارسال تکنولوژی‌های دامن‌نظره علیه ایران در اجلاس سران هفت کشور صنعتی اروپا؛
۴۷. تصویب قانون مجازات صادرکنندگان فناوری‌های موشکی و هسته‌ای به ایران در کنگره آمریکا در خرداد ۱۳۷۷؛
۴۸. خارج کردن شرکت‌های ایرانی از کنسرسیوم‌های کشف، استخراج و تولید نفت و گاز دریای مازندران؛
۴۹. مخالفت با حضور ایران در «گروه مینسک» برای حل بحران قفقاز؛
۵۰. مقابله جدی با هرگونه نفوذ ایران در بوسنی و هرزگوین با وجود کمک‌های بی‌شائبه جمهوری اسلامی ایران به مردم مسلمان بالکان؛
۵۱. ممانعت از اعطای وام توسط بانک‌های جهانی به کشورهای ثروتمند به ایران؛
۵۲. تخریب روابط ایران و ترکیه و ایران و آذربایجان؛
۵۳. ممانعت از بسط روابط و گسترش نفوذ ایران در آسیای میانه و قفقاز؛
۵۴. مخالفت شدید با آزمایش‌های موشکی ایران به‌ویژه پس از پرتاب موشک شهاب ۳ در تیر ۱۳۷۷؛
۵۵. مخالفت با هرگونه اقدام حفاظتی جمهوری اسلامی ایران نظیر دستگیری اغتشاشگران، جاسوسان، عوامل ضدانقلاب، توقیف نشریات مخرب، محاکمه جاسوسان یهودی و اقدام‌کنندگان علیه امنیت ملی کشور؛
۵۶. ایجاد هماهنگی‌های ویژه پدیدآوردن بخش مخصوص میان‌سیا، موساد، ی‌شن‌بت، اینتلیجنت سرویس و سرویس اطلاعاتی کشورهای عضو اتحادیه اروپا به منظور مقابله جدی با خرید کالاهای ویژه اقدام استراتژیک توسط جمهوری اسلامی ایران و همچنین تکنولوژی‌های دامن‌نظره؛
۵۷. ایجاد هماهنگی و وحدت رویه میان کلیه طیف‌های ضد انقلاب در خارج از کشور؛
۵۸. ایجاد ارتباط و به‌وجودآوردن نوعی وحدت استراتژیک میان ضد انقلاب داخل و خارج با مخالفین قانون اساسی؛
۵۹. طراحی فروپاشی جمهوری اسلامی به سبک فروپاشی شوروی؛
۶۰. سرمایه‌گذاری برای ایجاد مطبوعات مجری طرح فروپاشی؛
۶۱. نفوذ در مراکز دانشگاهی و میان استادان از طریق شبکه جهانی روشنفکران؛
۶۲. ایجاد هماهنگی میان روشنفکران سکولار با منورالفکرها به اصطلاح مذهبی؛
۶۳. برنامه‌ریزی برای تخریب شخصیت چهره‌های دلسوز کشور و نیروهای استقلال‌طلب و مخالف سلطه آمریکا؛

۶۴. برنامه‌ریزی برای سوق‌دادن جامعه به سوی آنارشیزم و هرج و مرج طلبی؛
۶۵. تلاش برای دامن‌زدن به اختلاف‌های داخلی و تبدیل اختلافات دیدگاهی به تخصیصات فرسایشی؛
۶۶. برنامه‌ریزی برای حذف اسلامیت از جمهوریت و جداکردن دین از سیاست و جایگزینی دنیاطلبی افراطی و غوغاسالاری و جَوّ شعاری بر فضای عمومی کشور؛
۶۷. قرارداد ایران در محور شرارت، ۲۰۰۲؛
۶۸. تداوم فشارهای هسته‌ای، ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳؛
۶۹. خروج از برجام، ۲۰۱۸؛
۷۰. قرارداد سپاه در لیست سازمان‌های تروریستی، ۲۰۱۹؛
۷۱. ترور سردار قاسم سلیمانی، ۲۰۲۰؛
۷۲. حمایت سیاسی و تحریمی از اغتشاشات، ۱۴۰۱؛
۷۳. حمله به ایران در خرداد ۱۴۰۴؛
۷۴. حمایت از اغتشاشات دی‌ماه ۱۴۰۴؛
۷۵. تحمیل جنگ رمضان در اسفند ۱۴۰۴؛
۷۶. ترور امام خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی به همراه جمعی از اعضای خانواده معظم‌له در اسفند ۱۴۰۴؛
۷۷. ترور جمعی از فرماندهان ارشد نظامی در سال ۱۴۰۴؛
۷۸. ترور جمعی از دانشمندان هسته‌ای در سال ۱۴۰۴؛
۷۹. نقض مکرر تفاهم‌نامه پاکستان؛
۸۰. محاصره دریایی ایران؛
۸۱. تلاش برای حاکمیت بر تنگه هرمز؛
۸۲. و